

هوش شب عیدی

مرد تقریباً هوشمندی به نام **دانیل گلمن**، به طور جدی واضح نظریه‌ی هوش هیجانی بود. امیدواریم اگر زنده است زیاد هیجان زده نشود و خدا هوش بیشتری به او بدهد! اما باید عرض شود، قبل از او **هوارد گاردنر** بود که به گواهی منابع و لوح‌های چاپی، درباره‌ی هوش و انواع آن حرف زده و مسئول پراکندن این نظریه در میان جوامع دانشگاهی، روشنفکر و تحصیل کرده بود.

البته بحث هوش هیجانی بعدها آن قدر داغ شد که به گمانم اهالی غیر دانشگاهی کوچه و خیابان و بازار را هم به‌سوی خودش جلب کرد و نفعض را بیشتر اهل تجارت کسب کردند و نامش را دور از چشم و گوش هوارد گذاشتند هوش مالی و سواد بازرگانی. اگر مایلید در زمینه‌ی هوش مالی مطلب بیشتری بدانید و در کلاس مطرح کنید، قصه‌ی صفحه‌ی ۲۷-۲۶ را بخوانید. بگذریم!

اولش تعداد هوش‌های گاردنر از چند تا بالاتر نمی‌رفت، اما بعد به ۷ تا و ۹ تا هم رسید؛ البته بدون احتساب کار بچه‌های زرنگ بازار! چرا این پدیده این همه دامنه‌دار است، خدا می‌داند! اما این را هم بگوییم که محقق این بحث، اول فقط درباره‌ی هوش پژوهش کرد و گفت: هوش «ظرفیتی برای حل مسائل یا تطبیق ساخته‌ها متناسب با مجموعه‌ی فرهنگی» است. سپس هفت هوش معرفی کرد و گفت دو تای اول در مدرسه به دست می‌آیند (که به نظرم خیلی خوب گفته است). سه تای بعدی به هنر مربوط است و ششمی و هفتمی شخصی هستند.

حالا چرا گاردنر از محیط فرهنگی نام برده و بنای دو تای اول را در مدرسه گذاشته است، به منابع رجوع کنید! لیکن، او هر کاری می‌کرد، آن را در قالب یک هوش ساخته و پرداخته می‌کرد و مثل بچه‌ای که تازه به دنیا آمده باشد، یک نام در خور برایش می‌گذاشت. برای مثال به **هوش «دیداری - فضایی»** که توانایی درک پدیده‌های بصری است توجه فرمایید.

یادگیرنده‌های دارای این نوع هوش گرایش دارند با تصویرها فکر کنند. آن‌ها از نگاه کردن به نمودار، تصویر و فیلم

هوش کلامی- زبانی

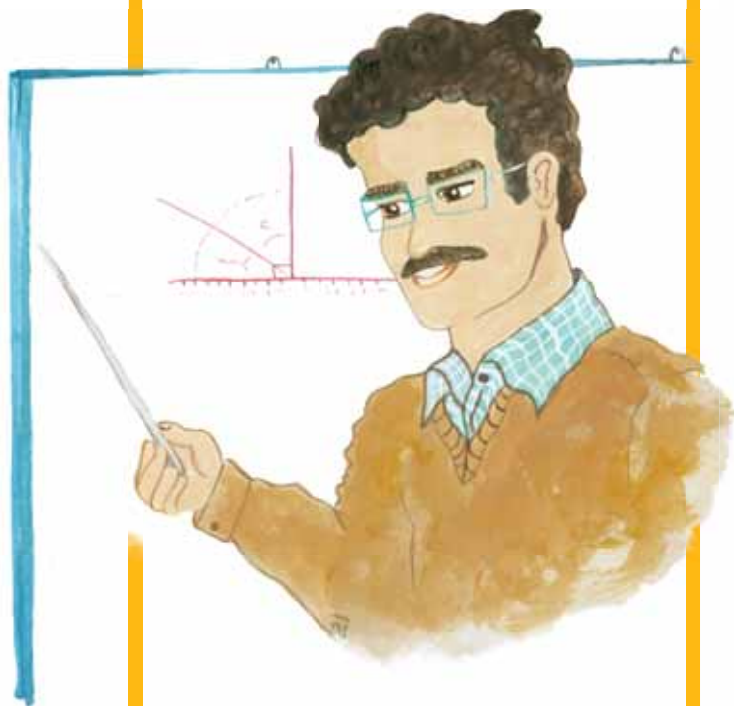
توان استفاده از کلمات و زبان. یادگیرنده‌های با این هوش غالب، مهارت‌های شنیداری تکامل یافته‌تری دارند و غالباً سخنوران برجسته‌ای هستند. آن‌ها با کلمات فکر می‌کنند خوب گوش می‌دهند و در حرف زدن، قصه‌گویی، تدریس، استفاده از طنز و درک معنی کلمه‌ها ماهرند. شغل‌های مناسب برای آن‌ها هم شاعری، روزنامه‌نگاری، معلمی و مترجمی است.

خوششان می‌آید. اگر شغلی هم خواستند، می‌توانند دریانورد، مجسمه‌ساز، کاشف، معمار، طراح داخلی و مکانیک شوند. اما خودمانیم. هوش عجب مقوله‌ی پیچیده‌ای است! هوش را قبل از گاردنر، من از زبان **فردوسی** در شاهنامه دیده‌ام. علاوه بر عقل و دوراندیشی، حکیم توس «نیستی» را هم هوش نامیده است که خوشبختانه گاردنر از آن خبر نداشته یا اگر داشته، به رو نیاورده است. فردوسی عزیز در شاهنامه، در داستان رستم و اسفندیار و سرنوشت اسفندیار می‌فرماید:

ورا هوش در زاولستان بود
به دست تهم پور دستان بود

اما **سعدی** هم درباره‌ی یک فرد به دربخور و دارای کمال و جمال در باب اول گلستان می‌سراید:

بالای سرش ز هوشمندی



هوش منطقی- ریاضی

هم توانایی استفاده از استدلال، منطق و اعداد است. دارندگان این هوش به صورت مفهومی و با استفاده از الگوهای عددی و منطقی فکر و از این راه میان اطلاعات رابطه برقرار می کنند. رشته های شغلی مورد علاقه ی آن ها دانشمند شدن، مهندسی، برنامه نویسی کامپیوتر و ریاضی است.



هوش بدنی- جنبشی

هوش بدنی- جنبشی شامل استعداد کار با اشیاء و به کارگیری حرکات ظریف انگشتان با دست ها و همچنین استفاده از کل بدن است. برخی افراد این دو استعداد را؛ یعنی کنترل حرکات بدنی و کنترل ماهرانه ی اشیاء را با هم دارند.

برای هوش وند و پسوند ساخته، چون هوش قابل و پذیرنده ی انواع بسیار و در حد بی نهایت است. دانشمندان و مدعیان بسیار جایگاه این پدیده را که گویا مغز است و انگار با دل آمیختگی دارد، کاویده اند و هر بار از آن چشمه های بدیع دیده اند. همانا این ذره ی ناچیز در جهان آفرینش و بستر هوش و بینش، یعنی انسان، هنوز در حد اقیانوس ها، کهکشانشاها و تمام تاریخ ناشناس است.

حالا این جانب به آموزگاران و کارشناسان عالم تعلیم و تربیت یک توصیه ی «هوشمندانانه طوری» دارم. اگر این یادداشت نیمه علمی و تمام صمیمی را خواندید، زحمت کشیدید. شرمندهام وقتتان را گرفتم. اما شما که از من باهوش ترید، هوشمندانانه دل بچه ها را به دست بیاورید و «هوش شب عیدی» را فعال کنید.

می تافت ستاره ی بلندی و این شیخ علیه الرحمه، چه هوشیارانه و زیر پوستی بحث را به هوشمندی می کشاند! گاردنر هوش را یک کل در نظر گرفته است و می گوید هماهنگ عمل می کنند. افراد ترکیب یگانه ای از هوش را دارند و بی جهت گیری برای مقاصد خوب یا بد به کار می رود! امروزه هوش چهره و نام های بسیاری گرفته و تعریف هوشمندی به همه جا، حتی دنیای غیر واقعی، یعنی مجازی، هم رسیده و الی ماشاالله مرز و جایگاه و اسباب پیدا کرده است. برنامه های هوشمند، ماشین هوشمند، خانه های هوشمند، چراغ یا تلفن هوشمند و کلاس و تخته ی هوشمند و تا بی نهایت هوشمند. هر کس بعد از این بندگان خدا به این پدیده ی خدایی رسیده،